

## سومین جلسه محاکمه مختاری (عصر)

تحقیقات از متهمین شهروانی در روز عصر در دادگاه شروع شد



آقای میراحمدیان، آقای موسویزاده، آقای کانی در روز ساعت ۷ و نیم عصر بعد از اتمام خواندن اذعاننامه ها آقای رئیس دادگاه شروع تحقیقات نمودند و تحقیقات بسیار جابجا توجه و حاکی از مهارت کمال ایشان در امور قضائی و احاطه به حیوانات پرونده ها میباشد.



آقای منشی دادیار دیوان، آقای دکتر جلال همدانی، آقای علی آصفی در روز ساعت ۷ و نیم عصر بعد از اتمام خواندن اذعاننامه ها آقای رئیس دادگاه شروع تحقیقات نمودند و تحقیقات بسیار جابجا توجه و حاکی از مهارت کمال ایشان در امور قضائی و احاطه به حیوانات پرونده ها میباشد.

## نظری به صحنه های مختلف جنگ

### جبهه شوروی - آذربایجان

اعلام میبرورد در روز صبح شوروی اعلام داشت که میسلمان سرخ پس از نبرد های بسیار خونین و درود ساعین تلفات بیشاری بدین شهرهای نوچرکات واقع در روی رودخانه ای که برود وقت میبرورد همچین دستسرا حمله کرده اند مخصوصا در این دو بخش نیرو های دشمن هم از لحاظ افراد و هم از نظر وسائل بر نیروی شوروی برتری داشتند، تلفات هر دو طرف مخصوصا طی جنگهای نرسنت ربار میباشد لیکن تلفات ناسپتها براسن ازان لشکربران سرخ بیشتر بوده است با این حال وضع این نواحی بیش از پیش رو خولامت نهاده و دشمنن سوس میکند درینجنگ شمه که از بعد فراموش زبانی دارند از آن رود دت هیور کند یکی از این قشون درونایه نوچرکات واقع بوده که دشمن موفق شده است با دادن تلفات بیشاری از پول قایمی هیور کند لیکن نیروی سرخ با شهامت بی نظیری پیش از یک گردان مهاجم را نابود کرده و بجه راه فرار پیش گرفته اند محل دیگری که فاشست همی داری دارند از رود دن بگذرد در قسمت جنوبی رساف واقع است در این بخش جنگهای عظیم سریز، جبران داشته، و همه قوای طرف تلفات بیحد و حصری وارد آمده است جنگ همچنان بنظور روان مهاجمین آت طرف رود ادامه دارد. هواپیمای سراسرکنر و مفودرو شوروی فرطی از این پروندهای خوین قش بسیار بزرگی نابوی کرد اند طوری که آب رودخانه دت ده هزار شش سربازان و افسران و افرای های شکسته و وسائل دیگر دشت را نابود بزای سبای میبرد

### در ناحیه ورواز برشد

حلات متقابل سرخ افزوده شده لشکربران دشمن در حال فرار منحل تلفات سنگین میشود. تاکتیکهای شوروی دشمن فراری را عقب نموده و جای چه نیروی آلمان در (اساری اسکن) بدعاظه سخت افتاده است. دشمن باطلعه نیرو ومواد گنگی بدین جبهه گسیل میبادور بر پا شاری خوش میفرایید. باید دانست که این ناحیه تنها نقطه روشنی است که در جبهه نارلیک جزب شوروی دیده میشود و در صورت حمله متقابله شدید سرخ پس از ایجاد جبهه دوم این ناحیه مبدأ عملیات بسیار ماسس بر علیه صد ها هزار سرباز تحت فرماندهی است. ترک محسوب خواهد شد که اینک تقریبا سماعت زیادی جلو رفته اند

### حالات شوروی در نواحی برسانک و جبهه لبین گراد و لوکاف ادامه دارد

دشمن مجبور شده است در بعضی از مناطق عقب نشینی اختیار نماید دراین وزمنا جنگجویان غیر نظامی شوروی کمک فراوانی بارش سرخ میندول داشته اند

### انجرا اطلاع وسپه است که ملت عهد قوای کانی ذخیره فرمانده کالرشان آلمان مجبور شده است که اولشکربران خوش در کشور های باختری اروپا کشته و جای تلفات سنگین خود را در جبهه شوروی بر میکند البته این موضوع پیش از این به نیرو متقلین اجازه خواهد داد که با دادن حد اقل تلفات از پیش سر دستگند جنگی آلمان را نابود کنددر جبهه مصر سکوت سه روز انجیر در دم شکست و نیروی ژنرال اوچینک بجه برداخت و در اثر آن منفعلاری اراضی او دشمن پس گرفته شد به ۳

## وزارت جنگ و قانون اساسی

### نامه های سر لشکر حیوان و سر لشکر شرفانی که اخیرا در روزنامه سپهر ایران منتشر شده اوضاع درهه و برهم اثرش را ناشه ربور منه گشت تاید کرده است و برای هکام سند محکومی است تا هاتنه که آن نامه دوران (۱) و شاه شد کب (۱) و آن منج ایران (۱) و وزارت های او که متقیبا و بشعه اداره میگردند و روزی در آورده بود. البته خو اس میدانسته که شاه ساق چه هم لای قی در ابتکار بروز داده و با چه وسائیل بین افسران دوستگرو حق تولید نود است تا اثرش را مانند بکنو تشخصی برایش فرستاده و در آن مویش بکار برده و اینک اعتراضات این افسران ارشده مؤید نام کانی است که آگاهان از پیش میدانسته و بی شیران امروز از آن آنگه میشود.

افسران دوستدار و تحصیل کرده که ما از داشتن آنها خرسندیم و خوشخانه هه آنها بابر بسیار است بیسته در این جنگی و خاتون و ستره و مویها گمنده و باخشود و برود در دل برانی این اسان فت خریب میفرستاده و میفرشته و آذوری امروز را دارند که سازمانهای وزارت جنگ و ارتش این کشور بجز مانند کشورهای متفرقی هستند و متشکل نشود تا آنها برای نیل بقاصص مع و آمل و ای مشاع خود جان بازی و مدالاری کت

### ایت افسران سابق جنگی که در این شهر بود بیست هفتصد نفره تیریوز سالمان وزارت جنگ داده شده هنوز ستاد ارتش خود را اداره تانم وزارت جنگ نینداند و استقالی که در امور شان معتمدان نیست است از فراسنوم نام ادارات و ستاد های مختلفه ارتش تابع ستاد ارتش بنود مستحقا اجرا شده میکنند و هنوز هم رسوم سابق معاول است و مطالب عرض برسه بر کارها در روزهای سابق جبران دارد

### اگر چنین نامه ما مانا کبیر باید نگردیم که این وضع برخلاف قانون اساسی است و مسئولان آن نوانچه هات دولت و دولت و خصوص وزیر جنگ است و برای توضیح نقطه اساسی از قانون اساسی استعراج و باشتان لشکر بدهیم تا اگر مقررات کنونی با این اصول موافق نماند شخصا مسؤولیت را متعهد شو لند و با شیطاض و نظیر من ملت پاسخ بده

### اصل ۲۴ - شخص باندا هه مسؤولیت مفری است و زراعت و استوزارت و استوزارت در هر گونه امور مسئول مجلسین هستند

### اصل ۲۵ - کتبه قوای و دستخط های پادشاه در امور مدنکی وانی اجرا میشود که باعضای وزیر مسئول رسیده یافت و مسئول صحت مداول آن فرمان و دستخط هسان وزیر است

### اصل ۲۶ - وزیران نمیتواند احکام قضایی پانکی پادشاه را مستفاد فرار داده سلب مسئولیت از خودشان نمایند

### افسران که برش در بیست هفتصد نفره است من درج مسائل غیر مستوزار و از کارها و ذمات بدهند و بیس طریق از خود عقب میروند کتبه اگر در گذشته چنین میگردند برای این بود که بازموالراتی کسی نمیتوانی اکنون خانه که اذعان این رویه بر مردد آنها استادن فرامیخورد و دیگر باخوانه توانست فقرهای پیشین را بیان میکنند اکنون این نقطه چه بزرگ جانات عالی و خصوصی مجلس مورد مباحثه واقع شد و هر چه سبب گنگ منگ گشته که باید رویه کنونی عوض شود. اگر از هم اختلال قانون اساسی و احضارات عمومی نشود منصفان را باید یادگند فرخواند تا بر همه مردم رعایت قوانین آذوری محاکمه و محاکات شود

## تیر و منذ استیاف میدهند

اگر کسی حکم ریاست زمان بعد از تیر و منذ میگفت چرا این زندانی ما را بدون دستور فراری از طرف بل بر سر داد گشته در زندان که میباری با فرورود بحدوت به مساعت شاه میشدند او مصلحه بود که از راه شاهزاده معزازی او مصلحه او زهر قاتلی از جمله تر و بالاتر است امروز این حسین بررونده که قاتل مستقیم مرموم دکتر ازانی و مرموم مرموم مرموم مرموم و شکار کتین دیگر است بر نهایت بی شرمی از فرار با داد داشت کیلیف برده و قوم خوش لودر نظری داد گشتی برده عدلت چنگبر است و تیر و منذ می کند است و از نشه کرد

### سین حسین بررونده کسی که در زندان او دست ظلم او کریین بدیده فراری زده بود زده با قانون اساسی برمه با فرار از جبهه شره شلاق زد سین بررونده و دنیایی که دم ازمواد و اصول قانون بردند میرونده

ارسم و استعفر میگردند امروز او از فرار تولیف استیاف میدهند و آن باریق قانونی میداند

### بچه های این جانی با نظر مفسر نشده شایسته فرار و آزاد گشته و تلفات



عنان معروف بشش استتی

### ظن و با پوش دوشن تصویر نیستو

تصغیر از آن همان محسوس بدعت دورمیدگتوری که حرم آزاد خواهی و با زن حرف حق سالها در سلول های تازی که بر سر بردن !!

### البته زنده نیست که این استیاف

آقای فصل بانی مرمود و فرار فر - برس حیوان کبیر تاید خواهد شد و حسین بررونده مانده اولب بزرگش چای مین عدالت فراسخوانده خواهد کردید و بکیر افعال می شود خواهد رسید

### دادخواستهای مدعیان خصوصی

ساعت شش و پنج که دادگند از یو تشکیل گردید. آقای فرون و کات عالی نظری موقظا طرف بر سر دادگند معنی گردید. از اینهم سؤال شد که رعایت دارد روی رعایت داد. چون کبر خو است دانستان نام نشده بود. شروع فراتدین بنام مدعیان خصوصی گردید. هر ضلع آقای منقی ملک از طرف ورثه مرحوم مدرس قیادت گردید و بر سر دادخواست آقای مظفر فیروز آقای یوز رضا از طرف سایر ورثه مرحوم المولود خوانده شد دادخواست آقای دکتر مندوز از طرف ورثه نسیخ خزل فرات شد. دادخواست آقای نوبان از طرف ورثه عبدالحمید و سایر دادخواست های آقای عباس ترابی و کات از طرف ورثه مرموم مرموم مرموم ملکین مبلغ ۸۷ هزار ریال. و از طرف خان شوکت فرومیه برار ۳۰ هزار ریال بر علیه وکیل مدین معزازی. دادخواست آقای ایرج اسکندری از طرف دکتر اسماعیل شفیعی برار ۱۰ هزار ریال بر علیه وکیل مدین معزازی که دفاع از آن آقای عباس ترابی و کات در حضور و در دادگاه خوانده شد دادخواست آقای ایرج اسکندری و کات باوجهی مدعیان مدعیان وکیل مدین معزازی از ده هزار ریال سته آقای ماس ترابی و کات در حضور در دادگند دادگاه دادخواست آقای جعفر آزماشیر از طرف آنا شکبان مبلغ ۲۸۷۰۰ ریال بر علیه وکیل مدین معزازی. دادخواست آقای آکبر رضوانی و کات از طرف آقای اسدعلی معزازی و کات کوهمرشد

### آقای منشی دادیار دیوان

آقای دکتر جلال همدانی دادستان دیوان کتبه که ایک سعی و کوشش فراوان کرده و تقریبا بیست صحفا اذعاننامه را تنظیم نموده اند

### آقای علی آصفی

وقالت گردید نیم ساعت نفس اعلام شد. ساعت ۲۰ و ۷ دقیقه دادگند از یو تشکیل گردید. شروع تحقیقات از متهمین شد. مقداری اطلافا کرد اعازه دهم استواری از آقای دادستان شایه گشته در موقع خود گردید. سؤال از مستوزان طبق اذعاننامه شامه میباید که بهمستی همه دیگری در شب ۱۶ آور ۱۳۱۵ عهد سال مرموم سر راه کرده گردید بهجوی که حال را کبرن اذاعنامه از طرفین کشید باید اقرار دارند. ج. اذعاننامه و ایشیم ولی اعتراف عام. باید حین مرموم و امیشانتم ولی فرضی با ایشان نداشتیم که ابتکار را کتم

### یه درصه ۱

### آگهی

#### برای تشویق خانه دارانی که خواسته باشند

باندازه مصرف خوار بار منازل خودشان گندم یا آرد وارد کنند با دارات مربوطه دستور داده شد از این تاریخ تا آخر آبان ۱۳۲۱ پروانه مجانی بقاضا کنندگان بدهند که از فرونی زارعین و رعایا یا مالکیتی که تعهد تحویل مازاد غله خود را با دارات دارائی داده باشند خریداری نموده و بشهر وارد نمایند شماره ۲۶۴ - ۱ - ۲ - وزیر دارائی

در جبهه مصر سکوت سه روز / انجیر در دم شکست و نیروی ژنرال اوچینک بجه برداخت و در اثر آن منفعلاری اراضی او دشمن پس گرفته شد به ۳

# پس جنبه دوم را چه وقت تشکیل میدهد؟

### کشاورزان شوروی در مبارزه بر علیه اصول ارثی فاشیسم

**مکو -** هارولد کینک غیر کافر خیر گروای انگلس چنین گزارش می دهد: تاکنون ذوق حاکمان کمال فراموخی نیروی شوروی معلوم نشده و فقط مسلم است که مامنه شرح سر بلایان موادمسور داده است تا آخرین حد ممکن پیشرفت نیروی آنان را - تاخیر اعاده

بایداری موفقت آمیز نیروی سرخ دور روز که وضع آن همپرا تمام پیشرفت ارتش شوروی تیراندازان هوشم در جریان جنگ باری می - که لیکن بدین است که آن اعلازم کامل نبوده و در وقت جونی جهمیر از هیپور آلمانیها از چند نقطه رود در صدمت ۳۰۰۰ مایل قسمت پایین آن رود و جنگ شوروی موفقت جبهه رستف وضع جنگ بسیار وخیم است و نتیجه آن بر شکست ارتش پشتری دارم دفاع ملی خواهد بود

درمانده گذشته اهالی هراسر کشور شوروی از فکر اینکه باز دیگر صدمه دهنگه و فشرده است ممانین خواهد افتاد دچار ترس گشته - لیکن در روح با پایداری بسیار شدید ایشان گشردن شوروی رخ حاد - از موضوع جبهه دوم نیز دیگر رود باشد که شوروی سختی بیکی در لین کمزور است که هوشی از آن گشردن جبهه دوم است

پس در وقت جبهه دوم تشکیل خواهد شد -

**مکو -** خیر گروای شوروی اطلاع میدهند و عقاوت شوروی برای اینکه تا نون آوریل و مرداد

## شدید ترین بمبارانها بر علیه بزرگترین کارخانجات

### زیر دریائی ساری آلمان

**لندن -** خیر گروای انگلس خیر میدهند پس از حملات شدید اخیر هواییها علیه انگلس برکتور استر که در هریک از آنها ۱۵۰ هواپیمای شرکتست تاکنون هجده حمله هوایی انگلس بر آن کشور را لحاظ داشته پاتی حمله اخیر هواییها علیه انگلس بر هانسبورگ تیرانداز انگلس حمله بر آن پشتر از تمام هواپیماستند که هرگز در این حمله آمده بود

**لندن -** خیر گروای انگلس سر لشکر نیروی هوایی پس از مراجعت خلبانان انگلسی از عملیات پیش شرح زیر پیامی برای آنها فرستاده است

ازمانی دوستانه که شب گذشت در هامبورگ ایراز داشته ایم و از حمله دلبرانه شما که یکی از بهترین حملات موفقت آمیز دوره جنگ شمار مایه شما شادمانیم میگوییم

**لندن -** خیر گروای انگلس اطلاع میدهند (سر اوتور هرس) سر لشکر نیروی هوایی پس از مراجعت خلبانان انگلسی از عملیات پیش شرح زیر پیامی برای آنها فرستاده است

ازمانی دوستانه که شب گذشت در هامبورگ ایراز داشته ایم و از حمله دلبرانه شما که یکی از بهترین حملات موفقت آمیز دوره جنگ شمار مایه شما شادمانیم میگوییم

ایست عملیات و سه سویت سبگوان متوالی فوسبروک و راهبر هتلسنک یک هفته شورا تکمیل مینماید و آلمانها مدها آرا را حواظ جمع خواهند کرد

اداره اطلاعات وزارت هواپیمای ارتش میارود گویا در این ساعت دوم تران همپا در آلمان شهر ( هامبورگ ) باشد - در هیچیک از شهر های دیگر باغله هامبورگ ( زیر دریائی سامنر ) شود

علاوه بر آن گشته خلبانان و کور شمشان آگون کلا روش شده است که آلمانیها در دفاع هامبورگ پیشتر از هر شهری اعلام میورودند

## مقتضی های عمومی بطول یک میل یا نوز گذرین آغاز جنایت آمیز - فاشیستها این اعمال را پندیده دارند

### تغییرات در رویه استبداد افکار و مهادت میبندند

**لندن -** خیر گروای انگلس اطلاع میدهند مابار ایتالی که عتق و تعهد وای منهن کهنه این دفاع را مقول معنی می یارود - در چک استواکی برای مرکز مایر نیام مرکز امومان مایر - سکتی گشتار کردند - من این مایر مایر را در سینه شخص داده است - از این مایر گشتار مردم و گوملاری سخت همچنین مردم مین برسان بیکار فرسوده - خرم ایکه بر علیه مامنه نوشته و هم - چنین دعای کرد زاننده و فراموش کردن گوهان بیکند در بار فاشیسم و باجنگی مشروع بودید میباشند روزنامه بایر با شیل برتر اطلاع کرده که مدهای بیکند که طرف روی در گذر شعله هدم خود مینور واقع گردید

**جبهه باختر -** پانچ کسر گروای شوروی اطلاع میدهند (گونگتسار) مدین آلمانی پس از سقوط استامبول خود را از خاک شوروی چین فرود بردارید

گنگها بیان بود امروز خود انبوه نیروی شوروی بود - حق چین روز در میان ویرانه های وانی وضع و آله های خراب و دهنگم های سوخته ویران گروش میگردند در این مدت از مشاهده انبوه ویران و ویران منازر گردید - اعلای غلط اطرف دریده بود که بعضی باشاها خود پیامی در جنگ زدگی بر رویان سو و آسو میروند لیکن نه آنحساست آنها در اینجانبه پنبه مایر بود

لااخره کمر روی کارگر کارگران اروپا پیشتر شش و بیست و یک نفر با این شش که متون ووشیدن گوی استروماتی شتاب سوی دورت لیکن شعش باشش او را با گوشه دولت تیزی از پای نر آورده و تیزه در دولت جنگ پیان گردید - چه روز حدی در ای فشار گرشکی وارد همگردد - ای گردید ولی در آنجا شوخشند و چون تسلیم گشتن شایک بود برداشت - طغان آلمانی پس از آنکه چند زمین کاری برداشت خود را بخورن

**لندن -** هریان موله - مسر غیر گروای فرانسه آواز چین میپوشد و زود امدهای یکا از اوتوریت هلدن بایزوری فرانسه در مقابل آنها با انگلیس و شرکت های فرانسه نوکی در گینه و فرانسویان گنجر مینا نموده کابل بعضی توکی مونه نامیدی کند که فرانسویان در اتحاد و قابل فرانسه میبرند و غیر است و احساسات و آرمین مشترک میباشند اندر واپاد امروز سا ایلانان مومی کرده است اما در فرانسویان احساسات فرانسه از رویان مینشین و واکنش فرانسویان در صورت پانه شدن معنی های فرانسه پیند توری مراهبت به پای پانچ فرانسه روزیکه منصف بود - چک گوایا در ماسر اسر ملت فرانسه افغان خواهد کرد

لیکن باید آن عملی و عقاید کابل صورت گرفته بر اصرار و عقاید فرانسه نتایج آن بر نهادن فلاکت بر خواهد بود - باید یاد داشته باشیم همه در جبهه عملیات پس باز هم زبانی را میراث بر نفس فرانسه بود و تالی شدمه هواییها پشرداشته که برای انگلس و امرا یکدیگر صومرا سینه انهمر گروای ساینده فرانسه در یک مینور شده ولی ما فرانسویان با مبارزه مدین نیرومندی بوده و هنوز در جنگ غلا شرمند داریم

فرانسوا با ممانین مایه شده فرانسویا جان خواهند داد - روزی که معنی در یک فرانسه پانه شوه ملطفرانه برای سرکوب کردن آلمانیها و جانن حک خودمستکش دوباره جنگ را آغاز خواهد کرد

فرانسویان منظر آحادیبه تالی می نامند هر وقت از طرفه از اولی گوی فرانسویان آلمانه کار را خواهند کرد - اما دیب انهمر داشته منظومت ملت فرانسه که از لغت پیند

## فاشیستها تلفات سنگینی دادند

### نیروی سرخ شهر های تسلیلیا لنگابو و ستفانغابه کرده است

**مکو -** طبق اطلاع سر گروای انگلسی اعلامیه تکمیل اداره اطلاعات دولت شوروی در منظمه اظهار بیانیه اشتهار میدارند در منظمه روزی نزدیک بیگمزاران آلمانی در عرض یک روز کشته شدند در کوپهی رستف و زدهای شهید در ادامه دارد - در منظمه (تسلیلیا سکا) نیروی شوروی ماضمرونی اشتهال کرده اند و در منظمه روزی تا یکپا نیروی شوروی تیزی دشن که با شتاب تمام به پیش میبندند

تلفات بسیار سنگین وارد میاورده اند (تسلیلیا سکا) برای تصرف نقاط مخصوص عیوراز و رود زنهای ماضمرونی در گرفت آلمانیها در صدر بر آمده اند از چند نقطه آن رود در آن و احد عیور کند در بین از مناطق دیگر نیرو در یک تا یکپا ادامه دارد و تاکنون سرتاک آلمانیها شکست خورده است

نیروی شوروی را که از لغت پانه شده و بر رود سن سف ساخته و آگون نیز از پیشرفت آلمانیها جلو گیری می کند

نیروی شوروی را که از لغت پانه شده و بر رود سن سف ساخته و آگون نیز از پیشرفت آلمانیها جلو گیری می کند

نیروی شوروی را که از لغت پانه شده و بر رود سن سف ساخته و آگون نیز از پیشرفت آلمانیها جلو گیری می کند

**مکو -** خیر گروای انگلس خبر میدهند اعلامیه دولت شوروی که در شبه با شتاب پانه چنین اشتهار میدارد روز بیست و هفتم از نیروی ما در اوتامو و روز (ویر گنگس) با دشمن جنگیدند - نیروی ما مورچه کنگ و رستف را تخلیه کرده و در دیگر اوانم جبهه غیرتی رخ کرده است - در دوی بارش کشتیهای جنگی ماکزیر در دویان و یک کشتی سر باز برده وزارت رشیت را فروز کردند

**مکو -** خیر گروای انگلس اطلاع میدهند چنانکه هرگز یک فرسوده مخصوص این غیر گروای از مکو خبر میدهند مامنه رستف پیش با شمولیات دانه با دشمن متشکل بود و خود میباشند آلمانیها برای حمله بر علیه استامکامی که دور تا دور شهر بسته شده میورود از یکبار تا تنک به

میان آورده اند - چهار روز است که این منطقه تحت شتاب بیزاران دارد

بدرج به نیروی آلمان و ایزر میمان کار واز مینوشولات تکاپا و نیروی هوایی روزه خانه دشمن شدید تر میگردند و از آن پایانه نظام شوروی حمله میورود و در این تسلیلیا نیروی شوروی میباشند

بسی از موفقت شدید معنشی عقب نشینی محصور شده است - در شمال شوروی خود آلمانیها ماضمرونی در صورت معنایی ویران گرش میگردند

دارد و دامنه میمان هدایت برسان و سیاسیا اعلام یافته است - رفت سه روز دوان جبهه جنگ جرایب داشت و دامنه هدایت دم بعد مضاعف ان جبهه گشاید میشد - در نقطه که خلی از هم بود افغانه اند آلمانیها

## اشغال اراضی جدید در مصر

### فراه - فرار از شهرهای گروای

**لاهور -** فرار از شهرهای گروای انگلسی اعلامیه سنگین از ارتش انگلس در حوزو مینه چون اشعار میدارد روز یکت کشتیهای انگلس هجده تان هدایت افغانه اند و اجیر از ارتش اعیق مومی روی نمانده است - ارتش متر آنکه که در اوج کم تسرار داشته و همجن طرفان نیز ممان آلمانیها نیروی هوایی سر فراز مینماید چک شده شکارهای انگلس بک بوگرن ۸۸ را که از یک اسکندریه شده و سرگون شانه شانه هجده از آلهای سیدی برای برانچ ای داد دشمن حمله فرسوده شمشکسته رسته نیرومندی پس انگلهای انگلس بر طرفین از برنده در نمانده حوزو ما سر بر آ و اجهازهای رژیم که بر پا نموده

**فراه -** فرار از شهرهای گروای انگلس ایش هشتم انگلس عصر یکشته و ایش نه روز اجیر خانه داده حمله جدید در صورت کسور و در این حده اراضی جدید تصرف او آورد

خاندانیکمکه در راست و چند نفقه بعد اعلای داخل خانه شدند و در حال جان میزین بود - وقتیکه مردم و ایزر فرا از سر خویش خود را در آن کرده گفتند: ما شما را با فرار از مینه چک کردیم - اگر جواهری حطره میباید ما از این کشور فراروش شود باید چک اعلای این کشور را لا استناد بکست مرم میزیمه را با تا وقتیکه حتی یک تن از مردم این و مشک نیز میماند باشد با شتاب و کسور حوزو ما سر بر آ و اجهازهای رژیم که بر پا نموده

## لاهور - فرار از شهرهای گروای

**لاهور -** فرار از شهرهای گروای انگلس ایش هشتم انگلس عصر یکشته و ایش نه روز اجیر خانه داده حمله جدید در صورت کسور و در این حده اراضی جدید تصرف او آورد

خاندانیکمکه در راست و چند نفقه بعد اعلای داخل خانه شدند و در حال جان میزین بود - وقتیکه مردم و ایزر فرا از سر خویش خود را در آن کرده گفتند: ما شما را با فرار از مینه چک کردیم - اگر جواهری حطره میباید ما از این کشور فراروش شود باید چک اعلای این کشور را لا استناد بکست مرم میزیمه را با تا وقتیکه حتی یک تن از مردم این و مشک نیز میماند باشد با شتاب و کسور حوزو ما سر بر آ و اجهازهای رژیم که بر پا نموده

## اشغال اراضی جدید در مصر

**لاهور -** فرار از شهرهای گروای انگلس ایش هشتم انگلس عصر یکشته و ایش نه روز اجیر خانه داده حمله جدید در صورت کسور و در این حده اراضی جدید تصرف او آورد

خاندانیکمکه در راست و چند نفقه بعد اعلای داخل خانه شدند و در حال جان میزین بود - وقتیکه مردم و ایزر فرا از سر خویش خود را در آن کرده گفتند: ما شما را با فرار از مینه چک کردیم - اگر جواهری حطره میباید ما از این کشور فراروش شود باید چک اعلای این کشور را لا استناد بکست مرم میزیمه را با تا وقتیکه حتی یک تن از مردم این و مشک نیز میماند باشد با شتاب و کسور حوزو ما سر بر آ و اجهازهای رژیم که بر پا نموده

## در صورت تشکیل جبهه دوم توده فرانسه

### بر علیه دولت لائوال و مهاجم فاشیست آلمانی خواهد کرد

**لندن -** هریان موله - مسر غیر گروای فرانسه آواز چین میپوشد و زود امدهای یکا از اوتوریت هلدن بایزوری فرانسه در مقابل آنها با انگلیس و شرکت های فرانسه نوکی در گینه و فرانسویان گنجر مینا نموده کابل بعضی توکی مونه نامیدی کند که فرانسویان در اتحاد و قابل فرانسه میبرند و غیر است و احساسات و آرمین مشترک میباشند اندر واپاد امروز سا ایلانان مومی کرده است اما در فرانسویان احساسات فرانسه از رویان مینشین و واکنش فرانسویان در صورت پانه شدن معنی های فرانسه پیند توری مراهبت به پای پانچ فرانسه روزیکه منصف بود - چک گوایا در ماسر اسر ملت فرانسه افغان خواهد کرد

لیکن باید آن عملی و عقاید کابل صورت گرفته بر اصرار و عقاید فرانسه نتایج آن بر نهادن فلاکت بر خواهد بود - باید یاد داشته باشیم همه در جبهه عملیات پس باز هم زبانی را میراث بر نفس فرانسه بود و تالی شدمه هواییها پشرداشته که برای انگلس و امرا یکدیگر صومرا سینه انهمر گروای ساینده فرانسه در یک مینور شده ولی ما فرانسویان با مبارزه مدین نیرومندی بوده و هنوز در جنگ غلا شرمند داریم

فرانسوا با ممانین مایه شده فرانسویا جان خواهند داد - روزی که معنی در یک فرانسه پانه شوه ملطفرانه برای سرکوب کردن آلمانیها و جانن حک خودمستکش دوباره جنگ را آغاز خواهد کرد

فرانسویان منظر آحادیبه تالی می نامند هر وقت از طرفه از اولی گوی فرانسویان آلمانه کار را خواهند کرد - اما دیب انهمر داشته منظومت ملت فرانسه که از لغت پیند

## اشغال اراضی جدید در مصر

**لاهور -** فرار از شهرهای گروای انگلس ایش هشتم انگلس عصر یکشته و ایش نه روز اجیر خانه داده حمله جدید در صورت کسور و در این حده اراضی جدید تصرف او آورد

خاندانیکمکه در راست و چند نفقه بعد اعلای داخل خانه شدند و در حال جان میزین بود - وقتیکه مردم و ایزر فرا از سر خویش خود را در آن کرده گفتند: ما شما را با فرار از مینه چک کردیم - اگر جواهری حطره میباید ما از این کشور فراروش شود باید چک اعلای این کشور را لا استناد بکست مرم میزیمه را با تا وقتیکه حتی یک تن از مردم این و مشک نیز میماند باشد با شتاب و کسور حوزو ما سر بر آ و اجهازهای رژیم که بر پا نموده

تاریخ ایبدا اردو یک نویسنده شهر شوروی

شهر عصیت زاده

—۷—

ولی اهالی پاریس برای آنها تک میزدند و فریاد میکشیدند؛ «هر گسکه رخد هیتلر قبام که دوستدار است» دوام نولبر مصعبن بک ناشی مدهاشینترین بددند. همه زبانی و اثر آن کشته شدند و هشتاد نفر از آن و هشتاد نفر بکران کردند و واداش آوردان واداش جویبار پاریس آرام گشتند.

کافه مدراس اجباراً بسته شد و معدداشچورا درآورد کنگهای اهالی شاه و همبار باخته تا در آجا میر فطب ها با سافه بیست سال جلای بخان شرت شهانیت پوشانند.

اهالی پاریس که در آن وقت ووششگری جبار با کاردانشچوستان رسیده است متوجه برای هر اقلیمی میباشد. در یک خانه دار کوچک آستر آلمانی و در یک خانن فرانسوی توچمن کرده بود از پیشه سوم پانین انگنند که بی بد و راویه تک معله سیرین دو فر آلمانی را عطف گنوله خوش ساختند. در نامه سن کبود متن یک فرماد آلمانی را در خانه من کشف کردند.

اشتمال کنگ گنگت میخواستند کارگران فرانسوری بددود جویبار یک نفر پارین اسمیر گزیده که در کارخانه های سیبروان بروج - گیوم درون هواپس و تانک تعمیر میکنند. اما حالا هواپیمای کسیر شده زبانه یوانانه در مسافت دوری پرواز کنند و آننگها با پولوی پارین ساخته و از جوم نیخورند؛ سعی کرده معصرین را پیدا کنند اما هر چه تلاش کرده اند کارگران پاریس کنگگنودند و از این جهت پاریس کرده کارگران این شهر را آسایش انقال دهنه تا در

آجا تحت فشار و اهمال شاه مجبور بکشان کند.

مبهن برستان مراتب وسیله وادبولتن چنین بیم فرستاده اند: روی همه دوما و دوارها حرف V اولین حرف کبه و کونوار (بیروزی) را نویسد؛ این مبهن برستان میخواستند کنترل کند همه آقا همه زبانی از اهالی پاریس باشنراتن آجا گوش فرامیآینه باختر.

سهاسانت بددعه دوما و دیوارها از حرف V پوشیده شده بود. با یک یا ذوال بزرگ آرایوشده و در آرزو چشم اشتمال کند که از رامی پاینده. حاشی جی ها - و انکرمان پاریس جواشن لا ابالی و مسخره ها بیروتی چشم اشتمال آلمانی این شفا و آنامک یکی از تصایف علقه نفس میخواستند

• دروغ میگوئی تو و الا  
• ما نفس نسی اینجا  
• درن جگه بالا ...  
• منت فرامسه طرز و هشتگاسکی بغاش سول انگلیسها و دست گزینی خود را که - ستون بچه انکرمانه و در پنهانی فرامعه و اشتمال کند و بد آگون منت فرامسه آنگن گسکه یزادین دوما جوراد آمده است که بر سر خاگران همه گنود. من بر شتو حیاتت از دستور ایستادم. من بر تون و ورون را هر دو خاطر دارم من من می ایسم که چه جوت بختیها در خیابانی ها متون آنگن بپس من مطر یا اطراف متون آنگن حسیک

جواب میدادند: « درن جگه بالا ... یعنی اسمت که درونی بختیها خود جواخته شد که از فرامسه مانج جوراد دوری ... فرامگه درانج مروتی خن فرام جواخته اند (پاریس)

دربلین شهر حریق برپا میشود

هولوبینی یا محون صحراها

مکو - خبر گزاردی شوروی اطلاع بددعه نظریه که دولت ایبنا اولتسط آلمان بر تان ایسکامهای بسی و افزایش شانی فرانس گکران و هرمان شاه موسلیتی لارم داشتد شمشا بلبرقا رور و تاهبیت حیاتی او همه ایبنا برای منطقه افریقای خود قائت است نشان دهنه. جدوریکه از مناورزه (روم) خبر رسیده موسلیتی خورش برای تعیینماده حیاتی ایبنا قصبه های ماهرشین ایبنا عطفهای طولانی ایراد کرده و از لزوم اجاد امبراطوری ایبنا در وقت و هر برامح حیت نونه وطنی مذاکره ای که با فرمانش اوتش کرده از جنبه استقلال ضعیف باریسه و حفظ حیثیت ایبنا را که باید موافقت منگن صورت گیرد لازم دانسته است.

مطالعات رسمی برانته سپاه آنگه اطلاعات کلیر در اختیار خار خدو یاد

کویه دانشی حرب گکره همومستان و مطور گنگی به وادار سون عده از مردم همومستان شفرمانی ایبنا اعلامی میگنند روزانه (بوبروک تانز) - جین میگنند گنگی بر تان گرووی در شت را سو فقه غیر برنده بشن از چنگرمان با فتابج دیگر همومستان غمخوشان از دعوامه آدیبه - و روسیانه (مغرد گروتس) که تا آنگهی دست حرب گکره. فده سن طرز آرمادمانه گنوی میگنند گنگی در صفا است فرخواست های خوششان را با اشتمال مجبر میخواستند همه و شکست دولت ایبنا بکشانند و فلن دهنه و حال آنکه روز اشتمال در ده انجام این اشتمال در معالی میزاد. مبهن نظرمومست گنگی چه جوت چین رویه را بیست کرده است. (مجرانوت) - روزنامه گنگر و نقل امریکانند که ما چین میگنند روسای حرب گکره نباید اشتمال داشته باشند که آمریکاییان فرخواست های آنان پشتیبانی کنند. امریکاییان چون آنگه عومی خوین داخل چند دولت موفتند رویه خلقی پیش گیر میخوانند اجاسانت کرده نام نظامی که در آن جگه هراد مایهتند در تمام با شتا میروند. آن گنگی که با اشتمال و خویشش را از نام با فتابجی از افروشی نظمی همومستان ایفاده بایز دارند نباید انتظار داشته باشند که امریکاییان بیست نامساعدی بی جز ووش دشمنی پیش گیرند

گکرین ممکن است پانین مزینان.

در غلی ششگر و ولی بدعوامه اسباب زامت بشوم. در من از اعراق نام میاید. من به شتا را میباشم و نه می خوام بشناسم و به بیخوام من به شتا گنگام. چون از ختیکه اطلاق سلبه خود ساخته ام. اطلاق سلبه بی مصرف افغانه فقط گگون میکنند از بیوهامنه زامت بر تانه و

لحن مدهای روز ردا بیاشن و اعراق و تکلف او دهرن اثر کرد و مهبیدم با بگفر آدم معلومی سر و کار خارج گنند. « خیالی خوب، حاضریم. بیخون نزدیکه دشمنش افغانه. از یک چراغ برق نشن از حبیش در آورده روشن کرد. بیست سنون روشنائی را دهنه جلوی پای ما افغانه. از چه کوچیکه بست و لند از میان بیاوریم گئی رو شده همه چاسانکند آرام بود. با بگور آروا شت ملام در آهه مود میگردد. صدای آرزیدانه و سبب منگن که از روی درختان میگفتند صورت ما محجوره. چراغ نوره تا خانه او دور سووس میزدند. مدتی گذشت در کسوت کار گنگمکرم دیمن من اینگه رفیق فاشتم را صحبت بیایوم گنند.

• ایبنا باید شت فتنگی باشد  
• او مثل ایبنا از مسایمن و وحشت مسترزه به از توری تان خلی شت شده گمگت:  
• بیرون شهراهی که من در ایرون دیدم، خوشتر دوستانم.  
• به از جعده ایبنا گنگت زار. درختهای میوه و آب زیاد دانه. ولی بیشتر برای ایبنا هر دو حالت و آسفر نفیسی خود شو گویمم. برای ایبنا معلوم من این گکرچ که کوچکها، میون جرد این شهره های گئی و درختهای شت ساکت جوری میان موامه و به او استمنح میروند. حالت همون تراز خود منی دودار ازمم باشد. - ایبنا بیشتر دود افغانه و بیره. صحبت و صحبت روی بیشتر شامووه میگنند. روتونوم - اومسبل، هواپسایه و راه آهن از بلاهی این فرجه - معصوماً اومسبل که باوق و گرونو خک روسیه شاکرده

خبرهای کشور

استعفا

فرمان اطلاع واصله آدی آعی وزیر دادگستری از مقام خود استعفا کرده اند.

سه میلیون ریال اضافه اعتبار حسب پیشنهاد وزارت کارگانی ویتنه و عمرت هیتت و در بیان دولت سه تیر تصویب نوده اند که ۳۰۰۰۰۰۰۰ ریال بر اعتبارات سببه برچهای ارتشی سپیه و متصومی مشمول شتال ۱۲ میبند افزوده شود.

در لروچرد از برورد خیر مرسد که مردم حالت گسود مواد خواوربار و بهداشتی لن روز چهارم مراد اشعاع کرده ست اداره دارائی و اداره شهرداری و ابتکار طه و همبار شدند.

این عمل با مداخله مامورین دولتی با نقل دو نفر و مجروح شتن همدا از مردم و مامورین خارج بایت.

اتصال آقای علی اصغر محمدی ریاست دائره نشریات شهر داری تهران منوعب شدند.

قتل زن استوار ارضاهای که از هر دو چشم نا پست بر پش پسرهای چند نفر از دوستان و معین زن سافش گرا بواسطه شدن اشقان اوراطقان داده است به جهت آنکه مروت و نور و آجا

در نقاطیکه ابتکار عملیات همچنان در دست تیر و راهی سرخ میباید دهنه علق نشینی میباید

مکو - صق اطلاع سر گزاردی انگلیس اعلامیه گنگی دولت شوروی حاکی است که تیر صبه این گزاردی های مهم معلوم دو کرده و نوپ ماه سر بردر مدعی است. فرماده بیرونی آدان از توامی اشغال شده اروپاییها گن شتاب بیرونی تیره. غس به ۳۰۰۰۰ شوری وارد کرده و این نقشه نیز تازمه شده است که صمصه و جبین و سبعم و سر وین لشکر یانه و بیست و شش لشکر تانک و دیگر واحدهای آلمانی از پاریس و لاهور و چه روسیه کشایده شده اند.

برابر منبرهایی که مبهن برستان به خطای در کتروان آهن گداشته بودند با اشتمال راه آهن حامل نیروی آلمانی که از فرانس حرکت کرده بود تاود کرده و در همان حال سر بران دشمن بولاکت و سببند.

مکو - خبر گزاردی انگلیس خبر میدهنه بیرونی سرخ از بیست شله و پنج چپ درون تحت فرماندهی مرفر وک بالاردی) دیوسک و انق و پول میای جنوب باختری و روز رسیده و همچنان شتار موثر و بار استوار ایساکر داده میدهند.

مکو - خبر گزاردی انگلیس اطلاع میدهنه چنانکه از بیرونی مکو روز هوشده افرایون بیک روزانه پراورد در چه جگه اطلاع داده است نیروی شوروی انکارتی گنججویان غیر نظامی در صوبه لگنودافه و جنوب آسین گزارد

اقرری مصحه های جنگ

بینه از صمعه اول غلبه بیرونی هوای انگلستان نیز کند و بسالاق در ترین بینه یا دهنه شوروی و بیارون با دوستال افریقاش رورگی بلای میگنند اعلاجه ایبنا حاکمیت که به بیرونی اوچن تک اشرا نیروی کسکی کلیر رسیده و کلمه های امریکانی مرتبا و رواجیده مصر مشود انگلستان - حلات مسکن هوا بیای انگلیس برا گزینگی وضعی اشتمال تاثیر هیتی در روسیه ملت اشیر کرده است تیره آلمان تا توجیه خود را بگویند که تریه خود را بیامی شوروی سخت بیان میشود منطوق میدارد بیکباره غیر میشود که مهابورک در پشت سرش زورور مسکرده. بان کفایت دیک کرده که اگر ارزروا ججه بدوجه شکسته بایشه هروائی شده است چیزی خواهد گزید که دو بوجه باود گنگه زسی هروائی از شرق و غرب بیجابنتیتر خانه خواهد داد.

باجا فزون سافش از از بیرونی و سایر اوتقانی دستگیر و فینه مروت بلروسیت.

رخورده با توهمیل روز یکشنبه ساعت ۸ هه اظهر ۱ مرداموسه نام سرباز منطقه مروتی که با دو چرخه از عشرت آباد باسره زبیدی طرف شهر میآمده به اوتمیل سواری آفای سروان خروامی تصادف نوده و در نتیجه سر و دستش پستی مجروح میشود مسکون در موضعه شفا نموده و موضوع تحت باجواری است.

آهی مرایده وزارت کار گنی ویتنه (همر) از نوب فزات چهار سر اسپسوارلی با ضاحه جهادست تری دیک کاریران بطور مزایده فروش میرساند

۱) فرابران آری دیون اسپسای بیشتی بیکر بر داری اداره نامبرده و ادمه دوسه راه شاشتن نیسول سربینی سجرقلی بیکر مراهه سانیانه ۲) فرابران آبیشتی های هرک از اسپسای و اطور جده گانه گنیه دوربشتند خود که توده صدی پنج او سهای پیشینای خود را به غده جوان سیره تحویل مستوفکار براری نامبرده نوده فیس صنونوزا بیوست پیشبند زود نمایند.

۳) پیشبندهات در پاسکت سر سه لاک و مبر شده تا آخر وقت اداری روز یکشنبه هشتم ماه جولی بدفر کار برداری نوب فزات تسلیم رسبه دوربخت درانه

۴) پیشبندهات رسیده در ساعت ۱۰ صبح روز سه دهم ماه جولی در کار برداری نوب فزات تار و خواننده خواهد شد حضور پیشبند دهنه گارت در جلسه مزایده آزاد اداره در رد و قبول پیشبندهات مختار است ۱-۲-۳-۴-۵

وزارت بازرگانی پشه و هنر ۲۶۳-۴

چشمی با جهره از روسیه در آورده اند یکصدت دیگر از جنگجویان غیر نظامی مشمول محلات است در تحت فرماندهی (ف) یکصدت از ایبناها را که مامور سر کلوتوی جنگجویان غیر نظامی و ده پلاکت

شور و با دور ترین ده آورده میاید. - اکتار تازده بیور رسیده، سلبه کع و اواج غلبه اسواج بر رو هر سولاشی میرید.

روشنائی چراغ برق دستی را به پنجره خانه ها میبانهادت و میگت:

• به بیببین، پنجره های منبت کاری، خوه های مجزا دانه، آدم بوی (مینو حسن میگنند)، بوی بوچه دروشده، بوی کشکات زندگی رو حسن میگنند، صدای ایبنا و بریده های سکویچ، مردم نهی سلده وودی، همه اینها به دنیای گنگه فیم رو یاید میآیره و آده رو اذلال و قیل دنیای تاز بیورون رسیده دور میگت.

حد مثل ایبنا بگرتیه منتدل شد مرا دعوت کرده رسیده:

• در شام خودم ...  
• به، به، اولگیا بیگن خودم ...  
از کتار چند تهر آب کدشتم و بالاخره نزدیک کرده درهای راباز کرده و هر دو داخل شدند. جلوه هرات تازه سار و رسیده، وارد اتقان کوچکی شدند که تحت خواب سفری، بیست و یک سال مرد منای داشت. چراغ خندا روشن کرد و اظان دیگر رفت. بعد از چند دقیقه با او ایبنا پشت گن، رنگ گوشت نر وارد شد و چراغ دیگری آورده روشن کرد. همیشه از چرا که هراد داشت باز کرده رنگ آرزور سرخ معطر می آورد و روی چراغ گذاشت. پس از کس نامل مثل ایبنا در داری تیره و پا کرامت داشت گمگت:

• میرماین تهر ایش ششمی خودم ...  
چراغ آبی زور داردا برافتن، از دلان تک و تالیکی که طاق خری داشت و مشکل استوانه درست شده بود - طاق و دیوارش بریک اشرا و تک آن از کپسرخ مفروض بود، رد شده، دودگیری باز کرده، وارد محوطه ای شدند که مانند اطاق بیخی شکی بود و ظاهرآ بخر جبه که سنه نداشت

بزرگترین جریانات سیاسی جهان در هند

نظر به استاذ دگریسی دانش استعمار و حرمله داری

لندن - گزار افراطی سر گزاردی انگلیس روز نامه (یور گنگارست) نویکی از مقالان سیاسی خود نقل امیر سر استاندر گریس در واقع به ارواح هند مورد تخریب و تحت قرار داده میونید که استاندر گریس در نعل دور که تعالی شده است و با تمام کار و صحت و از روی کساک بظرفی ارواح هند و اشراج کرده است. هر قدر بیشتر مگر تو نل شود بود نیوان سر استاندر گریس و اکلی از طرفداران استوار بزرگ و اصول فرماداری و مصوبه شدت از عملیات

دستی که گونمده در انچه سیاست جاسکین بی خود گنگه میمنند و وشکند بخود. سر گزاردی انگلیس فوند که استاندر گریس از روی حرب گنگره همومستان اشتمال نموده بود و راضی و ممانعت میباید دولت انگلیس مبرمی کرده است و در آن افغان خود بردارای دگر گردانند که باید در نظر گنگی که منن تیر دولت مورد توجه و ابرو بود.

نیویورک - مثل اطلاع غیر گزاردی انگلیس از گنگه اردو ویتنه ها و اظهارات زاده های امریکایی چین برمانه که معانی امریکاست تصمصم

مردی که شبانه سر راه خودنار سوار اومسبل ما شد. خودش را با اعراط در پالتو بلوی سیله پیچیده و کلاه لاله نده خود را طلوی پیشانی پانین کشیده بود. مثل ایبنا مایل بود از برایشان دنیای خوارش و تانسان با بعضس خورش و با محظور و مجرا کند. بیای دروست داشت آگور اومسبل دستش را حایل آن گرفته بود. مدت نیم ساعتی گذر اومسبل با هم بودیم. او بویج وجه در صحت شوخ و صبار مسافری شرت گنگرک. از این رو تاثیر مسحت و خوشی در مسافران گذاشته بود. هر فده که چراغ انگلیس و یا ناموس ای از عراخ داخل اومسبل را دروش من کردم. من دزدی ای تمبلی صورت او می اندام صورت سپورک بریده، بیسی گویش صراف داشت و بیگوشی پیشش حالت خسته پانین آمده بود. شبای صبری دو طرف لب او افغانه بود حتمه بران آریا و تصدی اورا می رسانیه. مثل ایبنا سر او از سکت تراشیده شده بود. فقط گنگی زبند روی لبش سیله و دفترک خودن ناموس می شد. اومسبل مادر خود شوختر، جلو گزاردی «همی» نگه داشت. اگر چه فرار بود تمام شد با حرکت تکسیم وی شوخ و همه مسافرن بیان شدند. من گنگی مریز دیوار گزاردی قورومانه اشتمال که چندان مهان یار معترم باشد. برای امام سبت شوخ گنند:

• از فرام معلوم باید افتمش از اعراق انگلیس  
• به، به، راد بده. آستبو میویوم فرماد که سحر حرکت تکسیمه.  
• بگرتیه دم تکسیم که پالتو بلوی خود پیچیده بودین نزدیک شد و با صدای آرزو بدنی گمگت:  
• این جا جای مناسب نداده. اگر آتشا بیخنی برای خودتان دوتشر

تاریکخانه

مردی که شبانه سر راه خودنار سوار اومسبل ما شد. خودش را با اعراط در پالتو بلوی سیله پیچیده و کلاه لاله نده خود را طلوی پیشانی پانین کشیده بود. مثل ایبنا مایل بود از برایشان دنیای خوارش و تانسان با بعضس خورش و با محظور و مجرا کند. بیای دروست داشت آگور اومسبل دستش را حایل آن گرفته بود. مدت نیم ساعتی گذر اومسبل با هم بودیم. او بویج وجه در صحت شوخ و صبار مسافری شرت گنگرک. از این رو تاثیر مسحت و خوشی در مسافران گذاشته بود. هر فده که چراغ انگلیس و یا ناموس ای از عراخ داخل اومسبل را دروش من کردم. من دزدی ای تمبلی صورت او می اندام صورت سپورک بریده، بیسی گویش صراف داشت و بیگوشی پیشش حالت خسته پانین آمده بود. شبای صبری دو طرف لب او افغانه بود حتمه بران آریا و تصدی اورا می رسانیه. مثل ایبنا سر او از سکت تراشیده شده بود. فقط گنگی زبند روی لبش سیله و دفترک خودن ناموس می شد. اومسبل مادر خود شوختر، جلو گزاردی «همی» نگه داشت. اگر چه فرار بود تمام شد با حرکت تکسیم وی شوخ و همه مسافرن بیان شدند. من گنگی مریز دیوار گزاردی قورومانه اشتمال که چندان مهان یار معترم باشد. برای امام سبت شوخ گنند:

• از فرام معلوم باید افتمش از اعراق انگلیس  
• به، به، راد بده. آستبو میویوم فرماد که سحر حرکت تکسیمه.  
• بگرتیه دم تکسیم که پالتو بلوی خود پیچیده بودین نزدیک شد و با صدای آرزو بدنی گمگت:  
• این جا جای مناسب نداده. اگر آتشا بیخنی برای خودتان دوتشر

سومین جلسه محاکمه

مخداری (عصر)

بمقام هیئت عالی محاکمه  
 س. چ. چ. مرشد داشت  
 ج. تنگی نشین  
 س. چند وقت بود مرض داشت  
 ج. چون مال چند پیش سال داشت  
 در حوض خاظم نیست از وقتی که آمدند  
 بود کاشی اقتداری گنت بود که همزیلی  
 است ولی گزارش بنیاد  
 س. شناسه تاریخ تحویل گرفت  
 و در تاریخ گزارش دادند  
 ج. چون خاظم نیست و نامش  
 مراجه گند  
 س. در تاریخ ۶ آذر ۱۳۱۶  
 تحویل گرفته بود. گزارش بنیاد یکی  
 بشنا اقتداری گزارش داد  
 ج. بنسبست درد بهایی که در  
 متهم شده بود او را احتضار وی مشاهده  
 می کرد و تحویل بنیاد انجام سواری آمد  
 س. شاو در شب وانه منزل  
 مدرس رفتاده  
 ج. کلان در نظم نیست هروفق  
 رفتن با پایبان بود  
 س. پایبان بگویند که بگوید  
 اند ولی شاو در شب  
 ج. اظهار با پایبان او کتاب  
 میگویند غیر ممکن است تنها منزل او  
 رفت باشد  
 س. چ. وقت اذ وقت مدرس  
 آگاه شده  
 ج. ساعت از شب  
 گذشت  
 س. کی شنا گزارش داد  
 چون موضوع مال شانی است دوست  
 خاطر نیست به هم می شناسد سر پایبان  
 گزارش در وقت دل از حق است  
 س. در وقت صورت مجلس  
 دهم وزیر دهم آمد بگوید ای که گمانند  
 ۱۲۱ نفر آذربایجان با پایبان اجناس منزل  
 مدرس وقت آمد و بعد هفت گزیده بود  
 و بگویند اجناسی گنت مستوفیات  
 بلا تنها منزل مدرس رفتن باز آرد  
 چه سواری فرستاد چون آمد تنها  
 لای درنگ سنجید که اجناسی آمد  
 س. گمان که تنها گمانند  
 س. اقتداری برای چه اذ احتضار  
 ج. سرکاری در منزل وقت ایلیان  
 که جنب منزل اقتداری بود افغانی خانه  
 و در روز دوشنبه اول آذر ۱۳۱۶  
 که شکایت مطرفه بودند تو را برای  
 محاکمه بشود احتضار کردند در موقع  
 بد که من در موقع وقت سرکار عبدالخان  
 گنت شد معلوم شد که مراقب خان  
 و از مرض میگردد میرفته شد منزل  
 هدمان روزی میگردد منزل وقتداری  
 میروند و میرند خارج شهر خاک  
 میگردند من گفت مردم گزارش  
 دادم. بدین دلایل در موقع ایلیان  
 رفت در وقت مدرس را بیرون رفت  
 گفت مردم او را تحویل کردند  
 س. چرا سرکار برای مدرس  
 که مرشد بود تیرید  
 ج. دستور از شهرهای مشهده  
 رسیده بود که چنگسک من مستی بود  
 پایه نزد او بود  
 س. در موقع ریاست عالی یا  
 وفو این دستور شمای داده شد  
 ج. در وقت ساعت پیشتر  
 موافق بود و پرورد همرامه گند  
 س. شاو همرا بر پرورد آمد  
 میگردد وقت مجبور دین  
 ج. دستور هم از آمد  
 سواری از طرف او به شهرهای  
 دستور داده شد حضا مامور او سر  
 پایبان شناسی است و دستور آیکه  
 داده  
 س. در روز ترک مدرس  
 گواهی پایبان روز دهم است چنگو  
 مرشد وقت  
 ج. من آجا نیز مرتکب گزارش  
 هالی که دادند از طرف سار مامورین  
 بوده و منت هم با آ جا هم اذ همه  
 کرده  
 س. چرا منزل او را بیلهی فصل  
 خانه فراداده

سومین جلسه محاکمه

مخداری (عصر)  
 س. چ. چ. مرشد داشت  
 ج. تنگی نشین  
 س. چند وقت بود مرض داشت  
 ج. چون مال چند پیش سال داشت  
 در حوض خاظم نیست از وقتی که آمدند  
 بود کاشی اقتداری گنت بود که همزیلی  
 است ولی گزارش بنیاد  
 س. شناسه تاریخ تحویل گرفت  
 و در تاریخ گزارش دادند  
 ج. چون خاظم نیست و نامش  
 مراجه گند  
 س. در تاریخ ۶ آذر ۱۳۱۶  
 تحویل گرفته بود. گزارش بنیاد یکی  
 بشنا اقتداری گزارش داد  
 ج. بنسبست درد بهایی که در  
 متهم شده بود او را احتضار وی مشاهده  
 می کرد و تحویل بنیاد انجام سواری آمد  
 س. شاو در شب وانه منزل  
 مدرس رفتاده  
 ج. کلان در نظم نیست هروفق  
 رفتن با پایبان بود  
 س. پایبان بگویند که بگوید  
 اند ولی شاو در شب  
 ج. اظهار با پایبان او کتاب  
 میگویند غیر ممکن است تنها منزل او  
 رفت باشد  
 س. چ. وقت اذ وقت مدرس  
 آگاه شده  
 ج. ساعت از شب  
 گذشت  
 س. کی شنا گزارش داد  
 چون موضوع مال شانی است دوست  
 خاطر نیست به هم می شناسد سر پایبان  
 گزارش در وقت دل از حق است  
 س. در وقت صورت مجلس  
 دهم وزیر دهم آمد بگوید ای که گمانند  
 ۱۲۱ نفر آذربایجان با پایبان اجناس منزل  
 مدرس وقت آمد و بعد هفت گزیده بود  
 و بگویند اجناسی گنت مستوفیات  
 بلا تنها منزل مدرس رفتن باز آرد  
 چه سواری فرستاد چون آمد تنها  
 لای درنگ سنجید که اجناسی آمد  
 س. گمان که تنها گمانند  
 س. اقتداری برای چه اذ احتضار  
 ج. سرکاری در منزل وقت ایلیان  
 که جنب منزل اقتداری بود افغانی خانه  
 و در روز دوشنبه اول آذر ۱۳۱۶  
 که شکایت مطرفه بودند تو را برای  
 محاکمه بشود احتضار کردند در موقع  
 بد که من در موقع وقت سرکار عبدالخان  
 گنت شد معلوم شد که مراقب خان  
 و از مرض میگردد میرفته شد منزل  
 هدمان روزی میگردد منزل وقتداری  
 میروند و میرند خارج شهر خاک  
 میگردند من گفت مردم گزارش  
 دادم. بدین دلایل در موقع ایلیان  
 رفت در وقت مدرس را بیرون رفت  
 گفت مردم او را تحویل کردند  
 س. چرا سرکار برای مدرس  
 که مرشد بود تیرید  
 ج. دستور از شهرهای مشهده  
 رسیده بود که چنگسک من مستی بود  
 پایه نزد او بود  
 س. در موقع ریاست عالی یا  
 وفو این دستور شمای داده شد  
 ج. در وقت ساعت پیشتر  
 موافق بود و پرورد همرامه گند  
 س. شاو همرا بر پرورد آمد  
 میگردد وقت مجبور دین  
 ج. دستور هم از آمد  
 سواری از طرف او به شهرهای  
 دستور داده شد حضا مامور او سر  
 پایبان شناسی است و دستور آیکه  
 داده  
 س. در روز ترک مدرس  
 گواهی پایبان روز دهم است چنگو  
 مرشد وقت  
 ج. من آجا نیز مرتکب گزارش  
 هالی که دادند از طرف سار مامورین  
 بوده و منت هم با آ جا هم اذ همه  
 کرده  
 س. چرا منزل او را بیلهی فصل  
 خانه فراداده

سومین جلسه محاکمه

مخداری (عصر)  
 س. چ. چ. مرشد داشت  
 ج. تنگی نشین  
 س. چند وقت بود مرض داشت  
 ج. چون مال چند پیش سال داشت  
 در حوض خاظم نیست از وقتی که آمدند  
 بود کاشی اقتداری گنت بود که همزیلی  
 است ولی گزارش بنیاد  
 س. شناسه تاریخ تحویل گرفت  
 و در تاریخ گزارش دادند  
 ج. چون خاظم نیست و نامش  
 مراجه گند  
 س. در تاریخ ۶ آذر ۱۳۱۶  
 تحویل گرفته بود. گزارش بنیاد یکی  
 بشنا اقتداری گزارش داد  
 ج. بنسبست درد بهایی که در  
 متهم شده بود او را احتضار وی مشاهده  
 می کرد و تحویل بنیاد انجام سواری آمد  
 س. شاو در شب وانه منزل  
 مدرس رفتاده  
 ج. کلان در نظم نیست هروفق  
 رفتن با پایبان بود  
 س. پایبان بگویند که بگوید  
 اند ولی شاو در شب  
 ج. اظهار با پایبان او کتاب  
 میگویند غیر ممکن است تنها منزل او  
 رفت باشد  
 س. چ. وقت اذ وقت مدرس  
 آگاه شده  
 ج. ساعت از شب  
 گذشت  
 س. کی شنا گزارش داد  
 چون موضوع مال شانی است دوست  
 خاطر نیست به هم می شناسد سر پایبان  
 گزارش در وقت دل از حق است  
 س. در وقت صورت مجلس  
 دهم وزیر دهم آمد بگوید ای که گمانند  
 ۱۲۱ نفر آذربایجان با پایبان اجناس منزل  
 مدرس وقت آمد و بعد هفت گزیده بود  
 و بگویند اجناسی گنت مستوفیات  
 بلا تنها منزل مدرس رفتن باز آرد  
 چه سواری فرستاد چون آمد تنها  
 لای درنگ سنجید که اجناسی آمد  
 س. گمان که تنها گمانند  
 س. اقتداری برای چه اذ احتضار  
 ج. سرکاری در منزل وقت ایلیان  
 که جنب منزل اقتداری بود افغانی خانه  
 و در روز دوشنبه اول آذر ۱۳۱۶  
 که شکایت مطرفه بودند تو را برای  
 محاکمه بشود احتضار کردند در موقع  
 بد که من در موقع وقت سرکار عبدالخان  
 گنت شد معلوم شد که مراقب خان  
 و از مرض میگردد میرفته شد منزل  
 هدمان روزی میگردد منزل وقتداری  
 میروند و میرند خارج شهر خاک  
 میگردند من گفت مردم گزارش  
 دادم. بدین دلایل در موقع ایلیان  
 رفت در وقت مدرس را بیرون رفت  
 گفت مردم او را تحویل کردند  
 س. چرا سرکار برای مدرس  
 که مرشد بود تیرید  
 ج. دستور از شهرهای مشهده  
 رسیده بود که چنگسک من مستی بود  
 پایه نزد او بود  
 س. در موقع ریاست عالی یا  
 وفو این دستور شمای داده شد  
 ج. در وقت ساعت پیشتر  
 موافق بود و پرورد همرامه گند  
 س. شاو همرا بر پرورد آمد  
 میگردد وقت مجبور دین  
 ج. دستور هم از آمد  
 سواری از طرف او به شهرهای  
 دستور داده شد حضا مامور او سر  
 پایبان شناسی است و دستور آیکه  
 داده  
 س. در روز ترک مدرس  
 گواهی پایبان روز دهم است چنگو  
 مرشد وقت  
 ج. من آجا نیز مرتکب گزارش  
 هالی که دادند از طرف سار مامورین  
 بوده و منت هم با آ جا هم اذ همه  
 کرده  
 س. چرا منزل او را بیلهی فصل  
 خانه فراداده

سومین جلسه محاکمه

مخداری (عصر)  
 س. چ. چ. مرشد داشت  
 ج. تنگی نشین  
 س. چند وقت بود مرض داشت  
 ج. چون مال چند پیش سال داشت  
 در حوض خاظم نیست از وقتی که آمدند  
 بود کاشی اقتداری گنت بود که همزیلی  
 است ولی گزارش بنیاد  
 س. شناسه تاریخ تحویل گرفت  
 و در تاریخ گزارش دادند  
 ج. چون خاظم نیست و نامش  
 مراجه گند  
 س. در تاریخ ۶ آذر ۱۳۱۶  
 تحویل گرفته بود. گزارش بنیاد یکی  
 بشنا اقتداری گزارش داد  
 ج. بنسبست درد بهایی که در  
 متهم شده بود او را احتضار وی مشاهده  
 می کرد و تحویل بنیاد انجام سواری آمد  
 س. شاو در شب وانه منزل  
 مدرس رفتاده  
 ج. کلان در نظم نیست هروفق  
 رفتن با پایبان بود  
 س. پایبان بگویند که بگوید  
 اند ولی شاو در شب  
 ج. اظهار با پایبان او کتاب  
 میگویند غیر ممکن است تنها منزل او  
 رفت باشد  
 س. چ. وقت اذ وقت مدرس  
 آگاه شده  
 ج. ساعت از شب  
 گذشت  
 س. کی شنا گزارش داد  
 چون موضوع مال شانی است دوست  
 خاطر نیست به هم می شناسد سر پایبان  
 گزارش در وقت دل از حق است  
 س. در وقت صورت مجلس  
 دهم وزیر دهم آمد بگوید ای که گمانند  
 ۱۲۱ نفر آذربایجان با پایبان اجناس منزل  
 مدرس وقت آمد و بعد هفت گزیده بود  
 و بگویند اجناسی گنت مستوفیات  
 بلا تنها منزل مدرس رفتن باز آرد  
 چه سواری فرستاد چون آمد تنها  
 لای درنگ سنجید که اجناسی آمد  
 س. گمان که تنها گمانند  
 س. اقتداری برای چه اذ احتضار  
 ج. سرکاری در منزل وقت ایلیان  
 که جنب منزل اقتداری بود افغانی خانه  
 و در روز دوشنبه اول آذر ۱۳۱۶  
 که شکایت مطرفه بودند تو را برای  
 محاکمه بشود احتضار کردند در موقع  
 بد که من در موقع وقت سرکار عبدالخان  
 گنت شد معلوم شد که مراقب خان  
 و از مرض میگردد میرفته شد منزل  
 هدمان روزی میگردد منزل وقتداری  
 میروند و میرند خارج شهر خاک  
 میگردند من گفت مردم گزارش  
 دادم. بدین دلایل در موقع ایلیان  
 رفت در وقت مدرس را بیرون رفت  
 گفت مردم او را تحویل کردند  
 س. چرا سرکار برای مدرس  
 که مرشد بود تیرید  
 ج. دستور از شهرهای مشهده  
 رسیده بود که چنگسک من مستی بود  
 پایه نزد او بود  
 س. در موقع ریاست عالی یا  
 وفو این دستور شمای داده شد  
 ج. در وقت ساعت پیشتر  
 موافق بود و پرورد همرامه گند  
 س. شاو همرا بر پرورد آمد  
 میگردد وقت مجبور دین  
 ج. دستور هم از آمد  
 سواری از طرف او به شهرهای  
 دستور داده شد حضا مامور او سر  
 پایبان شناسی است و دستور آیکه  
 داده  
 س. در روز ترک مدرس  
 گواهی پایبان روز دهم است چنگو  
 مرشد وقت  
 ج. من آجا نیز مرتکب گزارش  
 هالی که دادند از طرف سار مامورین  
 بوده و منت هم با آ جا هم اذ همه  
 کرده  
 س. چرا منزل او را بیلهی فصل  
 خانه فراداده

سومین جلسه محاکمه  
 محاکمه مختاری  
 اختصاصی یا مشترک!  
 در روز ساعت هشت و نیم دادگاه  
 از تشکیل و مهین و در کلای مدافعان  
 و آقایان قضات و دادستان هر یک در  
 محل خوش نشست. عمدتاً نالیایی  
 در سالن حضور داشته چون بعضی  
 از وکلای مدافع حضور نداشته  
 از طرف رئیس دادگاه استعاضا کردید  
 که آیا جزو وکلای غایب کسی هست  
 وکیل اختصاصی یکی از مهین باشد  
 یا مت مشهود آدی حجازی جواب دادند  
 که خیر - آقای مهیدی جواب اظهار  
 داشته که آقای کسروی غایب آدی  
 در وقت معلومه حضور نداشته  
 رئیس تذکر دادند همه اشان وکیل  
 اختصاصی هستند بلکه وکیل مشترک  
 میباشد. بعد از آن وقت معلومه  
 دو نفر از وکلای غایب بنی آقایان  
 جدلی و کسروی جزو وکلای اختصاصی  
 هستند و از طرف آقای رئیس اعلام  
 کردید که معلوم است اذکار و کلاه  
 وقت این غایت منوجه نیستند زیرا  
 مطابق ماده ۱ قانون جزا غیبت در  
 معاد استماع و حوزیت از وکالت می  
 باشد فعلا محکمه تشکیل نمی شود  
 آدی حجازی پیشنهاد کردند که وکالت  
 وکلای وکلای غایب از طرف سایر  
 وکلای حاضر حضور افتراق بفرماید  
 و گدشته که آدی جدلی وکیل مستوفیان  
 است من حاضر وکالت این شخص را  
 مقرر است اول کتب مهین آدی وضی  
 اختراقی کند برای وقت مشخص مون  
 حاضرند - آدی رئیس گفته خود نموده  
 رضایت دارد - از منم استعاضا کرد  
 رضایت دارد - در این موقع سایر وکلای  
 غایب حاضر شدند و در وقت صرف  
 شد - وقت بعد از آن مدتی  
 رسمی شد - فراغت بیکه کثیر خواست  
 راضی باشد.  
 از این اوراقها از مهینان در لغیر اویم!  
 آدی جدلی تقریباً یکساعت بعد  
 از تشکیل محکمه حاضر شد جریان  
 قرائت کثیر خواست مانده معلوم  
 آزادی گذشت - ساعت ۹ و ۹ نسیس  
 داده شد - مهین و همایونی حاضر در  
 محفل و وکلای مدافع حاضر داشتند  
 بعضی از اوراقها و کلاه مشخصات محکمه  
 مراسم و مجراستند دلیل پایور که  
 در آمدن آنها چون وقت مشخصی  
 معارضت می شود - یکی سید علی  
 سرهنگ سفید میگردد - دیگری می  
 گفت آقایان قضات و مدافعان ساعت  
 ۱۰ برای تشکیل نسیس یکساعت مانده  
 ۱۰ و ۱۰ حاضر می شوند این وقت می  
 خواهد بود دقیقه دهم آمدن ما را دم  
 لا بفر مانده دهه - حضور شده مگر  
 زمین آسانی وقت بیست و دو  
 آمد - یکی دیگر از وکلا که از  
 ۹ و ۹ و ۹ آمده بود در موقع خروج  
 شده ها را بلا ادعا مت و آمد و دیگر  
 مشروطه است از این نوع با همایان  
 در نسیس ۱۰ و ۱۰ و ۱۰ و ۱۰ و ۱۰  
 ذکرات رئیس دادگاه اینطور مکنس.  
 العمل بشان مدینه!  
 یکدیگر نشان میدهد!  
 مد از نسیس و کلاه منن آمده  
 و جای خود نشسته. ناشایبان هم  
 ایستاده بودند و محاکره و مدافعتان  
 را با بفرق آدی که سید مکر نشان می  
 داده و معرفی میگردند - ساعت نهفت  
 وارد و ملیج تشکیل شده -  
 لغرد تکرر داد!  
 ساعت ۱۱ و ۱۱ و ۱۱ و ۱۱ و ۱۱  
 غمت آقای جدلی و کسروی به علت  
 فانی بود و از مقررات نرسد نکرده  
 اند - با این که آن آدی وکیل  
 مدافع باید ابراهیم کنت و کشان را  
 برسیه معلوم میشود که تنها در مهینان  
 در نسیس و ۹ و ۹ و ۹ و ۹ و ۹  
 در میگویند!  
 قرائت کثیر خواست استند یافت  
 و تأیید نظیر دادگاه یافت - مقررات  
 تلقین داده شد

سومین جلسه محاکمه  
 محاکمه مختاری  
 اختصاصی یا مشترک!  
 در روز ساعت هشت و نیم دادگاه  
 از تشکیل و مهین و در کلای مدافعان  
 و آقایان قضات و دادستان هر یک در  
 محل خوش نشست. عمدتاً نالیایی  
 در سالن حضور داشته چون بعضی  
 از وکلای مدافع حضور نداشته  
 از طرف رئیس دادگاه استعاضا کردید  
 که آیا جزو وکلای غایب کسی هست  
 وکیل اختصاصی یکی از مهین باشد  
 یا مت مشهود آدی حجازی جواب دادند  
 که خیر - آقای مهیدی جواب اظهار  
 داشته که آقای کسروی غایب آدی  
 در وقت معلومه حضور نداشته  
 رئیس تذکر دادند همه اشان وکیل  
 اختصاصی هستند بلکه وکیل مشترک  
 میباشد. بعد از آن وقت معلومه  
 دو نفر از وکلای غایب بنی آقایان  
 جدلی و کسروی جزو وکلای اختصاصی  
 هستند و از طرف آقای رئیس اعلام  
 کردید که معلوم است اذکار و کلاه  
 وقت این غایت منوجه نیستند زیرا  
 مطابق ماده ۱ قانون جزا غیبت در  
 معاد استماع و حوزیت از وکالت می  
 باشد فعلا محکمه تشکیل نمی شود  
 آدی حجازی پیشنهاد کردند که وکالت  
 وکلای وکلای غایب از طرف سایر  
 وکلای حاضر حضور افتراق بفرماید  
 و گدشته که آدی جدلی وکیل مستوفیان  
 است من حاضر وکالت این شخص را  
 مقرر است اول کتب مهین آدی وضی  
 اختراقی کند برای وقت مشخص مون  
 حاضرند - آدی رئیس گفته خود نموده  
 رضایت دارد - از منم استعاضا کرد  
 رضایت دارد - در این موقع سایر وکلای  
 غایب حاضر شدند و در وقت صرف  
 شد - وقت بعد از آن مدتی  
 رسمی شد - فراغت بیکه کثیر خواست  
 راضی باشد.  
 از این اوراقها از مهینان در لغیر اویم!  
 آدی جدلی تقریباً یکساعت بعد  
 از تشکیل محکمه حاضر شد جریان  
 قرائت کثیر خواست مانده معلوم  
 آزادی گذشت - ساعت ۹ و ۹ نسیس  
 داده شد - مهین و همایونی حاضر در  
 محفل و وکلای مدافع حاضر داشتند  
 بعضی از اوراقها و کلاه مشخصات محکمه  
 مراسم و مجراستند دلیل پایور که  
 در آمدن آنها چون وقت مشخصی  
 معارضت می شود - یکی سید علی  
 سرهنگ سفید میگردد - دیگری می  
 گفت آقایان قضات و مدافعان ساعت  
 ۱۰ برای تشکیل نسیس یکساعت مانده  
 ۱۰ و ۱۰ حاضر می شوند این وقت می  
 خواهد بود دقیقه دهم آمدن ما را دم  
 لا بفر مانده دهه - حضور شده مگر  
 زمین آسانی وقت بیست و دو  
 آمد - یکی دیگر از وکلا که از  
 ۹ و ۹ و ۹ آمده بود در موقع خروج  
 شده ها را بلا ادعا مت و آمد و دیگر  
 مشروطه است از این نوع با همایان  
 در نسیس ۱۰ و ۱۰ و ۱۰ و ۱۰ و ۱۰  
 ذکرات رئیس دادگاه اینطور مکنس.  
 العمل بشان مدینه!  
 یکدیگر نشان میدهد!  
 مد از نسیس و کلاه منن آمده  
 و جای خود نشسته. ناشایبان هم  
 ایستاده بودند و محاکره و مدافعتان  
 را با بفرق آدی که سید مکر نشان می  
 داده و معرفی میگردند - ساعت نهفت  
 وارد و ملیج تشکیل شده -  
 لغرد تکرر داد!  
 ساعت ۱۱ و ۱۱ و ۱۱ و ۱۱ و ۱۱  
 غمت آقای جدلی و کسروی به علت  
 فانی بود و از مقررات نرسد نکرده  
 اند - با این که آن آدی وکیل  
 مدافع باید ابراهیم کنت و کشان را  
 برسیه معلوم میشود که تنها در مهینان  
 در نسیس و ۹ و ۹ و ۹ و ۹ و ۹  
 در میگویند!  
 قرائت کثیر خواست استند یافت  
 و تأیید نظیر دادگاه یافت - مقررات  
 تلقین داده شد

پایان مطلب